

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱

شماره ۲

کمر من امتی می کشی بیدار کنی کسی در دینی ایران ندارند؛ و با این حال من از این گفتار است که
 کوتاه در حال انقیاد ترک کرده ام، و با محمود لایق از سر و کله منبرم! راستی، چرا؟
 چون دارم پس میگویم که انقلاب اسلامی، با سرعت رو به ضعف میرود، و ترتیب، خطای کمر
 دشمن اسلام، دارد قدرت میگیرد! و در راه این درد عمیق را بگیرد، نمیتوان در کردستان، جستجو کرد؛ و
 آنرا این جوانان، همه جای ایران را بطرف نابودی میکشند، نه تنها کردستان را، و - راستی - حریت
 اینده کردستان، و نیز سران ایران - با خاک یکسان شود، کوچکترین آگاهی سرمنزلی که انقلاب
 اسلامی، با وضع موجود - بطرف آه کشیده میشود! و آه، نویسی مستضعفان عالم از اسلام است.

ای مسلمانان رسول! مگر شما ندانید که در این چند دهه اخیر، ملت ایران به امید
 چه جاهدای، جانپنازی میگرد؟ مگر نمیدانید که شکست انقلاب ایران، یعنی شکست
 نهضت علمی و سیاسی اسلامی در تمام سرزمین اسلام، و در همه جای جهان؟ بنده افسس
 اگر ما نتوانیم با سرعت و قاطعیت انقلابی، نظام توحیدی و بی طبقه اسلامی را در ایران،
 بطور قانونی اعلام، و از نگاه آه را ترسیم، و بعد پیاده کنیم، صدای تبلیغ اسلامی را
 در همه جا خفه خواهیم کرد، و همه مسلمانان را به سرافکندگی و سستی روانه - حتی - بزرگراه -

آوردن نام اسلام، مانوس خواهیم ساخت!

تا دشمن قدرت دست، مردم را با بخت و با شرف به آئین امیدوار میگردیم؛ اما اکنون

دیگر نوبت آن است که مردم آثار آن وعده را ببینند، که تا سفینه نمی رسند! و همین است
 که بتدریج قطب نمای امده، بطرف یار کیم میچرخد؛ و مردم ضعف ما را از آن ضعف
 اسلام میدانند؛ و بوعدهای پوزیب چسبند، و تهمیدی ناروایی که به اسلام میرسانند، باور میکنند.
 راستی، ملت پیمان ایران، چه نیازی و فزونی قابل تصویری بعد از آنکه کرده باشد؟ برای
 چه چیزی آن همه نیازی کرد؟ برای «جمله بی طبقه توحیدی» - اما کوی؟ نه تنها در
 عمل در قانون؟ چه چیزی قاطع و انصافی، در جهت جمله بی طبقه توحیدی، یا در جهت
 بی عدول دارن بکامف گرفتار «اراف و بند بر» از یک طرف، و «فقر و مسکنت» از
 طرف دیگر، حتی در قالب یک قانون انقلابی «لفظی» انجام شریک است؟
 پیش از این، مردم اسلام را در شادمانی و تکبر و کبر می چسبند، اما اکنون که
 حکومت در دست ما است، باید تحقق آن وعده را نگاه کنند... و وقتی که چیزی
 نیست، طبیعی است که بزرگ بینالی سر می کشند و کجای غربت را می بینند.
 بطور عیان می بینیم که عهده اسلامی مردم، فزونی میکند؛ و عدم و هزاران
 لطف عهدهای فزونی را که می بینند و می بینند و می بینند، در پیش دارند بی
 عفتان آوردن از رویی که مردم برای نیابت از هم آه، جانبازی میکنند... و
 هر چه پیش آید، سوولیت آه بعد ما است.

همه برای رفع سوولیت در برابر این تباریک مملکت... تا آنجا که امکان دارد، با راه

بگفته اند که و اینک بدینوسیله آخرین و غیر آخرین و اعلام میکنیم که :
 اگر بگویم شورای عالی انقلاب راه میماند و بارانیم ، امکان دارد با اعلام
 ۵-۵ اصل انقلابی اسلامی به این بیگونی معانی خاتمه دهیم ، و همه عربها را از
 دست دشمنان اسلام بازکنیم .

اگر این وسیله موروثی و توجه جدی شورای عالی حکومت را نسبت به جامعه برکب
 پرنگاه نرسی افتخار ابراهیم ، جلب نکرد ، تا چهارم راهی دیگر گویم - هر چند آن راه
 در این شرایط انقلابی ظاهری ، مطلوب نباشد - زیرا ، اسلام و مسلمانان را در
 محرومی دیگر ، در نظر من اهمیت دارند .

فهرست اول شهید را چند روز پیش نوشتم - اما به این دلیل باز حدت دیگر
 بگفته اند ، روی آن اقدام نکردم . اینها آن را نیز به همین دلیل نماند
 برای یک سو و اولی که در نگاه جامعه بدون اعتدال اسلامی را بسینه
 نماندند بفرستم ، و اگر این اقدام نیز بی اثر ماند ، هر چه را بروزنامه میفرستم که
 چاپ کنند ، و بعد راهی را که به پیش پیش گویم ، پیش خواهیم گرفت .

و ، خدا یا تو را ببین که از هیچ اقدامی نسبت آینهی بخاطر این تو
 بخاطر بدلت تو در هیچ نوروزیم .
 تراه ۱۲، ۱۳، ۱۴
 احمدی